



تحلیل کتب مصور

کی ای. واندر گریفیت
بنفشه عرفانیان

متن حاضر، حاوی نکاتی چند در خصوص نقد متن ادبی و تصویرگری مرتبط با آن و ارتباط میان این دو گونه هنری است. با در نظر گرفتن نیاز مبرم تصویرگران به بهره‌گیری از مبانی نظری و نقد تصویرگری، در راستای اعتلای این مقوله فرهنگ‌ساز، توجه به مواردی از این دست، هرچند به اجمال، خالی از لطف نخواهد بود.

پیش از هر سخن باید دانست که هیچ پاسخ قطعی، مبنی بر این که کتابی تأثیرگذار است یا خیر، وجود ندارد. وظیفه شما [هنرمند - منتقد] آن است دیگران را به این باور نزدیک کنید که نوع دیدگاه‌تان نسبت به کتاب، از روشی معتبر تبعیت می‌کند. این به تنهایی کفایت نخواهد کرد که بگویید تصویری زیبا یا دارای اهمیت است، بلکه باید اشاره شود که چرا این گونه است.

برای شروع می‌توانید از خودتان آغاز کنید و با در نظر گرفتن تأثیراتی که متن بر شما گذاشته، به سراغ این بحث بروید که نویسنده و تصویرگر برای این که کتاب روی شما به عنوان یک خواننده تأثیر داشته باشد، چه کرده‌اند. بهتر است در نقد آثار، از کاربرد عبارت مطلق اجتناب کنید؛ عباراتی نظیر «تمام کودکان باید این کتاب را بخوانند»

همواره به خاطر داشته باشید که نوعی خوانش تحلیلی بر کتاب می‌نویسید، نه گزارشی درباره آن. بنابراین، نیازی نیست که داستان را دوباره تعریف کنید. خوانندگان باید به معنایی از داستان، در امتداد نظریات نقادانه شما دست یابند. به عبارت دیگر، داستان را بازگو و سپس نظر خود را ابراز نکنید، بلکه بکوشید تحلیل و تفسیرتان

از داستان را کامل سازید.

امکان دارد نقد خود را با یک یا دو جمله آغاز کنید تا خواننده را در فهم خلاصه‌ای از داستان یاری رسانید، اما هدف اصلی آن است که به خواننده در جهت درک مفهوم کتاب کمک کرده باشید. باید دید اساساً ساختار کتاب چیست؟ شاید عامل مشخصی چون ترکیب‌بندی، عنصری غالب در آن باشد. شما در جست‌وجوی ارزش ادبی هستید، نه در پی جبران کاستی‌های برنامه آموزشی یا دروس اخلاقی. شاید علاقه‌مند باشید بعضی نکات ادبی را که در کتاب اهمیت دارند، به بحث بگذارید؛ مانند شخصیت‌پردازی، زاویه دید، طرح داستانی، ترکیب‌بندی، فضا یا حال و هوای داستان و نمادهای به کارگرفته شده در آن.

هنگامی که درباره زبان بحث می‌کنید، از نقل قول‌ها به عنوان سند بهره بگیرید. کمی انصاف در نقد به خرج دهید و برای مثال بگویید این طبیعت قصه‌های عامیانه است که از کلیشه‌ها بهره بگیرد.

باورپذیری شخصیت‌های حیوانات، می‌تواند موضوع درخوری برای بررسی قلمداد شود؛ به شرط آن که نمونه‌ای غیرمتعارف و خاص باشد. باید در حین تحلیل‌گری، حتماً به تصویرگر استناد کنید. بکوشید تصاویری را که خواننده در تصویر کتاب ندیده است، در ذهن او بسازید.

وقتی می‌گویید تصویرگر، رنگ‌های ملایم یا تند در اثر خود به کار برده، از رنگ‌ها نمونه بیاورید. تمام ابعاد کیفیت‌های بصری کتاب را شرح دهید؛ مثلاً اگر قطع کتاب یا حتی اجزای تشکیل‌دهنده آن دارای اهمیت است، حتماً به آن بپردازید. از خود پرسید عنصر برجسته در اثر چیست؟ خط، رنگ، شکل، پرسپکتیو، ابزار، صفحه‌آرایی و... اگر مدعی هستید که رنگ‌ها فضایی تلخ خلق ساخته‌اند، توضیح دهید چگونه. اگر معتقدید که رنگ آبی، حسی از سکون و اندوه در اثر القا می‌کند، برای آن دلیل بیاورید و بگویید کدام آبی و با چه کیفیت رنگی در تصویر، دارای چنین خصوصیتی است.

ضروری است، درباره کارکرد متن و تصویر و رابطه این دو با یکدیگر، در جهت خلق یک کل زیباشناسانه ابراز نظر گردد.

از توضیح واضح‌تر بپرهیزید؛ هم‌چون اندازه، شکل کتاب، صفحه‌آرایی، قلم حروف که ممکن است مهم باشند، اما این در صورتی است که طراحی خاصی برای آن‌ها در نظر گرفته شده باشد. تصویرسازی را توصیف کنید و تنها به تأثیر آن نپردازید؛ مثلاً راجع به ماهیتی که اثر به آن اشاره دارد و...

از طریق ویژگی‌های خود اثر، با آن روبه‌رو شوید، نه با معیارهای از پیش تعیین شده خودتان. این مسئله را مورد بازبینی قرار دهید که چه خصوصیتی در اثر وجود دارد؛ نه آن که شما چه کار تازه‌ای انجام می‌دهید. حتی وقتی نقدی منفی بر اثری دارید، هم برای اثر و هم برای خالق آن احترام قائل شوید.

هرچه شما بر آن در تحلیل خود تأکید می‌کنید، مبتنی بر عناصری در کتاب است که شما آن‌ها را انتخاب کرده‌اید. در ذهن داشته باشید که این نقد، فقط از دیدگاه شما تراوش کرده است.

نقطه شروع: نکاتی درباره آغاز تحلیل بر یک کتاب مصور

اگر مشکل بر سر آن است که از کجا تحلیل خود را آغاز کنید، لازم است بکوشید کتاب را به چند روش گوناگون بخوانید. از هر چیزی که به نظرتان می‌رسد، پس از هر بار خواندن، سریع یادداشت بردارید. در این بخش از مطلب، سؤالاتی طرح می‌کنیم که به نظر مفید می‌رسند، اما بهتر آن است که زیاد درگیر و در بند آن‌ها نباشیم. بعضی روش‌های خواندن کتاب یا طرح برخی مسائل، شما را به نتیجه‌ای درباره کتاب نمی‌رساند؛ البته نه در همه موارد. پس باید روش‌های مختلف خواندن را آزمایش کنید و از همان ابتدا طرح مسئله نکنید. بعضی روش‌های پیشنهادی بدین قرارند:

۱- کتاب را از ابتدا تا انتها، به طور کامل مطالعه کنید. ببینید چه عاملی در تصویر، شدیدترین واکنش هنری را بر شما وارد می‌آورد؟ سعی کنید به این سؤال پاسخ دهید: این کتاب درباره چیست؟ کوشش کنید جوابی ساده بیابید؛ مثلاً این کتاب درباره یک هدیه شاعرانه است و یا داستانی به پاس مودت یا یک داستان سرراست درباره مرگ یا مراسم سوگواری و یا در مورد شیطنتی پرخاشگرانه در اولین هفته دوران مدرسه است. اگر قادر به انجام چنین تمرینی نیستید یا این روش شما را راضی نمی‌کند، بدانید که این تنها یک تمرین ابتدایی است.

۲- متن را یک بار بدون در نظر گرفتن تصویرسازی‌ها بخوانید. ببینید آیا متن به تنهایی دارای استقلال است؟ آیا دارای طرح یا نقشه‌های داستانی یا زبانی است؟ آیا نقطه اوج یا شخصیت اصلی دارد؟ چه عناصر ادبی در ترکیب داستان شاخص هستند؟ آیا این عناصر اصلاً در داستان دیده می‌شوند؟

**این به تنهایی
کفایت نخواهد کرد که
بگویید تصویری زیبا
یا دارای اهمیت است،
بلکه باید
اشاره شود که
چرا این گونه است**

**هدف اصلی آن است
که به خواننده
در جهت درک مفهوم
کتاب کمک کرده باشید.
باید دید اساساً ساختار
کتاب چیست؟**

**شاید عامل مشخصی
چون ترکیب‌بندی،
عنصری غالب
در آن باشد.**

**شما در جست‌وجوی
ارزش ادبی هستید،
نه در پی جبران
کاستی‌های**

**برنامه آموزشی
یا دروس اخلاقی**

۳- متن را یک بار فقط با در نظر گرفتن تصویرسازی‌ها بخوانید. حالا چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ آیا تصویرسازی‌ها تنها با اتکا به خودشان داستان را روایت می‌کنند؟ جای چه چیزی خالی است؟ آیا با حذف کلمات، کارکرد تصاویر نقص دارد؟ اگر داستان تنها از طریق تصاویر روایت می‌شد، چه تفاوتی می‌کرد؟ تصویرسازی‌ها چگونه گویای شخصیت‌ها و چیدمان عناصر داستانی است، به طور مثال، چیزی در تصاویر وجود دارد که نمی‌توان آن را از متن برداشت کرد؟ آیا تصاویر معنی متن را دستخوش تغییر کرده‌اند؟

۴- داستان را با صدای بلند بخوانید و گوش به صدای متن بسپارید. آیا اثر را واجد ریتم یا نظم می‌یابید؟ نثر اثر شاعرانه، شکسته یا طنزگونه است؟ اگر بخواهید متن را توصیف کنید، چه صفاتی به ذهن‌تان می‌رسد؟ خواندن متن با صدای بلند، برای‌تان کاری سهل یا دشوار است؟ زبان چگونه روی غنی کردن یا تقلیل اثر به عنوان یک ارگانسیم زیباشناختی تأثیر می‌گذارد؟

آیا عبارات یا صداها در متن تکرار شده‌اند؟ این امر دارای چه پیامدهایی است؟

۵- متن را مطالعه کنید تا بدانید در کجا دچار گسست شده است. اگر داستان به شکل متفاوتی پاراگراف‌بندی می‌شد، آیا تجربه شما از داستان و زبان یکسان می‌بود؟ انتخاب شما چه نتایجی به بار می‌آورد؟ آیا شکست در روایت داستان، سرعت شما را در ادامه خواندن داستان کند کرده است؟ آیا ترغیب شده‌اید تا صفحه را ورق بزنید یا نقشه مشخصی را در خواندن داستان دنبال کنید؟ آیا تراکم متن در تعدادی از صفحات بیشتر است؟ آیا صفحه‌های بدون متن وجود دارد؟ و این تفاوت‌ها چگونه بر تجربه شما از داستان تأثیر می‌گذارد؟ آیا گسست‌های متنی، خوانندگان را به سوی پذیرفتن روندی متعین در خوانش‌شان هدایت کرده است.

۶- یک بار متن را بخوانید و به انتخاب‌های تصویرگران توجه کنید. تصویرگر به طور مشخص، چه عنصری را برای نشان دادن ارتباط متن و تصویر در هر صفحه انتخاب کرده است؟ آیا تصویرسازی پیش یا پس و یا در طی اتفاقات داستان در متن کارکرد یافته است؟ آیا تصاویر شرحی بر موقعیت شخصیت داستان به دست می‌دهند؟ آیا تصاویر دورنمایی از شخصیت، در خلال اتفاقات ارائه می‌دهند یا تنها دیدگاهی مطلق (تک‌ساحتی) از شخصیت‌ها و اتفاقات به ما عرضه گردیده است؟

۷- رنگ‌ها را مورد بررسی قرار دهید. تصویرگر از چه رنگ‌هایی استفاده کرده است؟ آیا تنوع در انواع و میزان رنگ و یا طیفی از یک رنگ را می‌بینیم؟ آیا رنگ‌ها همراه تحولات داستان تغییر کرده‌اند؟ آیا رنگ‌ها با شخصیت‌ها یا اتفاقات مشخص ارتباط دارند؟ آیا از تضاد و تناسب رنگ استفاده شده است؟ رنگ چگونه داستان را تکمیل و غنی می‌گرداند و آن را به پیش می‌برد؟

۸- صفحه‌آرایی کتاب را بررسی کنید. تصویر و متن چگونه در صفحه قرار داده شده‌اند و با چه منطقی؟ آیا نقشه‌ای واحد برای این چیدمان وجود دارد یا در ترکیب تصویر و متن، تنوع دیده می‌شود؟ چرا؟ آیا در انتخاب نوع قلم حروف، اولویتی وجود داشته است؟ تمام این ایده‌ها ممکن است شما را برای شروع تحلیل‌تان آماده کنند. با وجود این، این توصیه‌ها را قطعی و مسلم ندانید. کتاب می‌تواند توجه شما را به خط داستانی، بافت داستان، ترکیب‌بندی، طنز، ظرافت آن یا بازی‌های زبانی مستقیم یا رشد شخصیت داستان یا فضای داستان و... معطوف کند.

به محض آن که از وجود یک ویژگی در کتاب آگاهی پیدا کردید، کتاب را از منظر آن ویژگی خاص بررسی کنید. باشد که به دستاورد مهمی در این راستا دست یابید. هم‌چنین در بررسی متون ادبی، توجه به موارد ذیل راه‌گشا خواهد بود:

- لایه روایتگر داستان و این که داستان چه چیزی را روایت می‌کند؟

- لایه ساده و قابل فهم و این که اگر در طرح داستان، کشمکش فیزیکی وجود دارد، آیا این مسئله باعث می‌گردد تا تشویق شوید صفحه را ورق بزنید؟ آیا از تمهیداتی برای این منظور استفاده شده است؟

- لایه تأویلی و این که آیا داستان دارای اصالت است؟ آیا این امر برای شما اهمیت دارد؟ چنانچه کشمکش، هم فیزیکی و هم روان‌شناسانه باشد، آیا اثر دارای اصالت است یا حاصل دخل و تصرف در اثری دیگر؟ آیا در جهان مخلوق نویسنده، استحکام و اعتبار دیده می‌شود؟

- لایه رسوب‌کننده و این که اگر معنا در کتابی واقعاً رسوب کند، می‌توان گفت: «این حقیقتاً کتابی با اهمیت است.» یعنی این کتاب، داستانی فراتر از یک داستان ساده و بنابراین، شخصی و منحصر به فرد است.

از طریق
ویژگی‌های خود اثر،
با آن روبه‌رو شوید، نه
با معیارهای
از پیش تعیین شده
خودتان. این مسئله را
مورد بازبینی قرار دهید
که چه خصوصیتی
در اثر وجود دارد؛
نه آن که شما
چه کار تازه‌ای انجام
می‌دهید. حتی وقتی
نقدی منفی بر اثری
دارید، هم برای اثر
و هم برای خالق آن
احترام قائل شوید

منبع:

SCILS, Rutgers, the state University of New Jersey January 4, 1999-5/27/2006